

## بررسی تعامل رفتار سازشی و شیوه های فرزندپروری

محمد ابراهیم مداحی<sup>۱</sup>، ریتا لیاقت<sup>۲</sup>، منا صمدزاده<sup>۳</sup>، ایرج مرادی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۲/۰۵

تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۹۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۰۷

### چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطه رفتار سازشی و شیوه های فرزند پروری والدین در سطوح (استقلال، تسلط و مراقبت آموزی) در دانش آموزان دختر بود. نمونه تحقیق، متشکل از ۲۶۴ دانش آموز دختر مقطع راهنمایی منطقه ۳ و ۴ و ۶ آموزش و پرورش تهران بود، که به شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج حاصل از یافته ها مشخص نمود که بین سن استقلال آموزی با رفتار سازشی رابطه ای وجود ندارد. بین سن تسلط آموزی با رفتار سازشی رابطه منفی معنادار وجود دارد. بین سن مراقبت آموزی با رفتار سازشی رابطه ای معنادار وجود نداشت. و در نهایت بین سه خرده مقیاس شیوه های فرزند پروری با رفتار سازشی رابطه ای منفی و معنادار مشاهده شد. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین سه خرده مقیاس شیوه های فرزند پروری، تسلط آموزی پیش بینی کننده

۱- استادیار، دانشگاه شاهد

۲- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی-واحد تهران مرکزی

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده درمانی

۴- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی-واحد اراک

قوی تری برای رفتار سازشی است. زیرا تغییری به اندازه یک انحراف معیار در متغیر تسلط آموزشی موجب ۰/۱۳۸ تغییر در رفتار سازشی شد.

### کلید واژگان:

استقلال آموزشی، تسلط آموزشی، شیوه های فرزند پروری، مراقبت آموزشی و رفتار سازشی

Archive of SID

مقدمه

این تحقیق به بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با رفتار سازشی دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی پرداخته است. مطالعات و بررسی‌ها در مورد نقش خانواده در شکل‌گیری رفتار و شخصیت کودکان نشان می‌دهد که خانواده، یکی از مهمترین عوامل موثر در رشد کودک است. کودکی که سالم به دنیا می‌آید عالیتزین امکانات رشد را دارد، او در بهترین حالت خود آفریده می‌شود و ظرفیت آن را دارد که به بهترین وجهی تربیت شود و به عالیتزین کمالات دست یابد. به شرط آنکه خانواده و محیط مناسب، در اختیارش قرار گیرد تا در آن رشد کند. زمانی که کودک پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد، والدین بیشترین سعی و تلاش خود را به کار می‌برند تا بهترین و عالیتزین امکانات را برای رشد همه‌جانبه‌ی کودک فراهم کنند. بیشترین والدین مایلند فرزندان سالم، شاداب و نیرومند داشته باشند با این وجود، بسیاری از کودکان در طول فرایند رشد خود خصوصیات نامطلوب فرزندان سالم، شاداب و نیرومند داشته باشند با این وجود، بسیاری از کودکان در طول فرایند رشد خود خصوصیات نامطلوب تربیتی را به تدریج کسب می‌کند و از داشتن اعتماد به نفس و احساس امنیت دور می‌مانند و دچار مشکلات رفتاری می‌شوند (نلسون و ایزرائیل، ترجمه منشی طوسی، ۱۳۸۱).

از زمان‌های دور روان‌شناسان و روان‌پزشکان، اشخاصی که اختلال‌های سازگاری دارند مطالعه می‌کنند. امروزه برخی آنها عکس این پدیده را مطالعه می‌نمایند. کودکانی که به رغم دشواری‌های عظیم، پیشرفت می‌کنند. برخی از روان‌شناسان آنها را کودکان آسیب‌پذیر می‌نامند. این کودکان والدین سایکوتیک یا در فقر بسیار شدید زندگی می‌کردند یا در شرایط خطرناک دیگر به سر می‌برند، جیمز آنتومی، روانپزشکی که در باره‌ی والدین چنین کودکانی مطالعه می‌کند مشاهدات

خود را چنین می نویسد: آنها ظرفیت سازگاری بالایی را نشان می دهند، ظرفیتی که به نظر می رسد از هیچ منبعی دریافت نمی کنند. مثل اینکه خودشان آنها را پرورش می دادند (وندرزندن، ترجمه گنجی، ۱۳۸۲).

ریچمن و لندزدان (۱۹۹۰، نقل از نوابی نژاد، ۱۳۸۰) در تحقیقات خود در مورد کودکان دبستانی نشان دادند که حدود ۶٪ از کودکان یک مسئله جدی و قابل تامل است. پژوهشگران نشان داده اند که در بین عوامل رفتار سازشی در کودکان یک مسئله جدی و قابل تامل است. پژوهشگران نشان داده اند که در بین عوامل مختلف شکل گیری شخصیت، شیوه های فرزند پروری از مهمترین و بنیادی ترین عوامل محسوب می شود. با این وجود شیوه های فرزند پروری، شیوه ها و روش هایی است که والدین بر اساس آنها فرزندان خود را تربیت می کنند و در شکل گیری شخصیت کودک نقش بسزایی دارد. برخی از انواع شیوه های فرزند پروری از جمله استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی نقش مهمی در بوجود آمدن فرزند پروری از جمله استقلال آموزی و مراقبت آموزی نقش مهمی در بوجود آمدن اختلالات رفتاری کودکان داشته که کمتر مورد توجه پژوهشگران، در کشور ما واقع شده است. لذا به دلیل اهمیت موضوع، در این مقاله به شیوه های فرزند پروری به عنوان یکی از علل اساسی مشکلات رفتار سازشی توجه کرده و ده نقطه انجام شده در داخل و خارج کشور، نشان می دهند که چگونگی رفتار والدین با فرزندان در دوران کودکی در شکل گیری نظام رفتاری کودکان و بروز مشکلات رفتاری آنها نقش مهمی را ایفا می کند که به برخی از آنها اشاره می شود. تحقیقی در زمینه ی الگوی کفایت و سازگاری در بین جوانان خانواده های استبدادی، اقتدار منطقی، مسامحه کار و افراطی در بین ۴۱۰۰ نفر از جوانان ۱۴-۱۸ ساله در ارتباط با چهار مجموعه از پیامدهای رفتاری شامل رشد روانشناختی، پیشرفت تحصیلی، اضطراب درونی و مشکلات رفتاری، توسط

لمبورن و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) صورت پذیرفت. نتایج این تحقیق نشان داد نوجوانانی که از خانواده های اقتدار منطقی هستند شایستگی تحصیلی بالا و معناداری دارند. نوجوانانی که والدین خود را به عنوان استبدادی، افراطی توصیف کرده بودند، در تمام مقیاسها، نمره هایشان گرایش به حد متوسط بین نمره های گروه های اقتدار منطقی و مسامحه کار داشت به طور کلی بیشترین اندازه تفاوت بین خانواده های اقتدار منطقی و مسامحه کار از نظر پیشرفت تحصیلی و سایر موارد بدست آمد. نتایج تحقیقات گلاسکو<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۷) در زمینه بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری، اسناد و پیامدهای تحصیلی در نوجوانان نمایان ساخت و تکالیف منزل را داشتند و شیوه استبدادی و مسامحه کار والدین با انجام تکالیف و پیشرفت تحصیلی ارتباط منفی داشت. تحقیقات (بامریند، ۱۹۷۳؛ باردلی، ۱۹۸۹؛ به نقل از برنت، ۱۹۹۷) نشان داد کودکانی که دارای والدین گرم و پذیرنده هستند بیشتر خوشحال هستند، خود اتکایی و خود گرانی بیشتری از خود نشان می دهند؛ عزت نفس و مهارت بالایی دارند. در مقابل والدین مراقبت آموز در سنین مختلف تاثیرات سوئی از قبیل اضطراب، پریشانی، پرخاشگری، ناسازگاری اجتماعی و رشد اخلاقی کم بر کودکانشان دارند (کامینگز و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵ به نقل از برنت، ۱۹۹۷)

مک کوبی و مارتین<sup>۴</sup> (۱۹۸۳) به نقل از لمبورن و همکاران، (۱۹۹۱) در تحقیقی اظهار داشته اند بایستی بین دو تی پ از خانواده ها متفاوت قائل شد، والدینی که شیوه افراطی استقلال آموزی و والدینی که مسامحه کار و سهل گیر هستند. والدینی که از سطوح پایین از انتظارات و سطوح بالایی از پاسخگو بودن برخوردارند، شیوه ای افراطی دارند و والدینی که نه «درخواست کننده» و نه «پاسخگو» هستند شیوه ای مسامحه کار را

1- Lamborn ,etal

2- Glasgow

3- Cummingesetal

4- Maccoby& Martin

به کار می برند. لذا جهت هر گونه اظهار نظر دقیق تر و روشن تر بایستی این دو شیوه به طور جداگانه سنجش و بررسی شود. نتایج مطالعات برنشتاین<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) نشان داده است که بین شیوه های فرزند پروری گرم و حمایت کننده و رفتار خود ابرازی یا استقلال رابطه وجود دارد. هچمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) در مطالعات خود در رابطه با خانواده های کودکان بیش فعال نتیجه گرفته است که کودکان بیش فعال دارای پدران سخت گیر و محدودکننده و مادرانی بودند که نسبت به سایر مادران، از تنبیه بدنی بیشتری استفاده می کردند. مهر افروز (۱۳۸۱) به بررسی رابطه ی بین نگرش شیوه های فرزند پروری و مکان کنترل با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی پرداخته است و به این نتایج دست یافت: بین نگرش شیوه های فرزند پروری مادر و پیشرفت علوم رابطه ای مثبت وجود دارد اما بین نگرش شیوه های فرزند پروری و پیشرفت تحصیلی (معدل کل، نمره علوم و ریاضی) رابطه منفی معنادار مشاهده نشد. کریمی (۱۳۸۰) رابطه ی نگرش مذهبی و شیوه های فرزند پروری والدین با نگرش مذهبی دختران را مورد پژوهش قرار داده است. تحلیل آماری داده نشان داد بین نگرش شیوه فرزند پروری (اقتدار منطقی) با پیشرفت (معدل کل و نمره علوم) دانش آموز رابطه مثبت و معنی دار و بین نگرش شیوه فرزند پروری (استبدادی) مادر، رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین نگرش های شیوه - فرزند پروری (اقتدار منطقی، آزاد گذاری، استبداد) مادر و پیشرفت تحصیلی (معدل کل، نمره علوم و نمره ریاضی) رابطه ای مشاهده نشد. بحرینی (۱۳۷۷) در تحقیقی به بررسی رابطه ی شیوه های فرزند پروری با سلامت روانی، افسردگی و هماهنگی مولفه های خود پنداشت و رابطه متغیرهای اخیر با عملکرد تحصیلی دانش آموز دختر پایه سوم راهنمایی اهواز پرداخته است. نتایج نشان داد که بین شیوه های فرزند پروری، سلامت روانی و مولفه های خود پنداشت

1- Bronstein

2- Hechtman

رابطه وجود دارد و بین شیوه های فرزند پروری با افسردگی و عملکرد تحصیلی رابطه ای وجود ندارد. رستگاران (۱۳۷۴) در بررسی تاثیر و چگونگی روابط والدین بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی دخترانه شهر همدان نتیجه گرفت، دانش آموزانی که در مدرسه از سازگاری اجتماعی مطلوبی برخوردارند، دارای والدینی با روابط مبتنی بر تفاهم می باشند. در حالیکه دانش آموزان ناسازگار، دارای والدینی هستند که از روابط صحیح و بر اساس تفاهم بهره مند نمی باشند. ابراهیمی (۱۳۷۲)، نقل از هوشنگی، (۱۳۸۲)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی تاثیر اشتغال مادر بر سازگاری اجتماعی دختران دوره ی ابتدایی در شهر تهران در سال تحصیلی ۷۱-۷۲ به این نتایج دست یافت که بین اشتغال مادر و سازگاری دختران رابطه ی معنادار وجود ندارد. اما رضایت مادر از کار خود بر سازگاری دختران تاثیر مثبتی داشته است، ولی طبقه اقتصادی - اجتماعی خانواده بر سازگاری دختران تاثیر مثبتی نداشته است.

#### مسائل

- ۱) آیا بین سن استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی با رفتار سازشی دانش آموزان دختر پایه های سوم و چهارم ابتدایی رابطه منفی وجود دارد؟
- ۱-۱) بین کدام یک از یازده میزان رفتار سازشی (رفتار خشونت آمیز، ضد اجتماعی، عصیانی، غیر قابل اعتماد، کناره گیری، قالبی و اطوار عجیب، نامناسب اجتماعی، عادات ناپسند صوتی، عادات ناپسند یا عجیب، گرایش های بیش فعالی و آشفتگی روانی) با سه خرده مقیاس شیوه های فرزندپروری رابطه ی منفی وجود دارد؟
- ۲) آیا بین سه خرده مقیاس شیوه های فرزند پروری با رفتار سازشی دانش آموزان دختر پایه های سوم و چهارم ابتدایی رابطه ی منفی وجود دارد؟

### ▀ فرضیه ها

بین سن استقلال آموزی و رفتار سازشی دانش آموزان دختر پایه های سوم و چهارم ابتدایی رابطه منفی وجود دارد.

بین سن تسلط آموزی و رفتار سازشی دانش آموزان دختر پایه های سوم و چهارم ابتدایی رابطه منفی وجود دارد.

بین سن مراقبت آموزی و رفتار سازشی دانش آموزان دختر پایه های سوم و چهارم ابتدایی رابطه منفی وجود دارد.

بین سه خرده مقیاس شیوه های فرزند پروری با رفتار سازشی دانش آموزان دختر پایه های سوم و چهارم ابتدایی رابطه منفی وجود دارد.

### ▀ روش

جامعه آماری این مطالعه عبارت از کلیه ی دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی مناطق ۲ و ۴ و ۶ آموزش و پرورش تهران که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ مشغول به تحصیل بودند به شیوه ی تصادفی چند مرحله ای ۲۶۴ دانش آموز از بین کلیه ی پایه های اول تا سوم مدارس راهنمایی مناطق ۴، ۳ و ۶ آموزش و پرورش تهران به این ترتیب پس از هماهنگی با مدیر و معلم کلاس، نمونه انتخاب شده جهت اجرای آزمون های مربوطه مهیا و آماده سازی شدند.

### ▀ ابزار اندازه گیری

برای جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه ی شیوه های فرزند پروری و رفتار سازشی استفاده شده است.

الف) پرسشنامه ی شیوه های فرزند پروری: این پرسشنامه توسط وینترباتوم



۱ (۱۹۵۳) ساخته شد. این آزمون ویژه سنجش شیوه های فرزند پروری (استقلال آموزشی، تسلط آموزشی، و مراقبت آموزشی) می باشد و در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز توسط باقری (۱۳۷۲) و زیر نظر دکتر حقیقی ترجمه شده است. نتایج تحقیقات قبلی نشان دادند که این پرسشنامه، ضریب پایایی وروایی مقیاس استقلال آموزشی آن به ترتیب ۶۴٪ و ۶۷٪ و مقیاس تسلط آموزشی، ۷۴٪، ۶۰٪ و مراقبت آموزشی ۷۸٪ و ۶۶٪ است.

ب) پرسشنامه ی رفتار سازشی: نخستین بار توسط لمبرت آو دیگران (۱۹۷۴) تهیه و روی دانش آموزان آمریکایی سنین دبستان هنجاریابی شد. این پرسشنامه توسط شهنی بیلاق (۱۳۷۴) به فارسی برگردانده شده است نتایج مطالعات مختلف قبلی ضریب پایایی این مقیاس را ۸۰٪ و ضریب روایی آن را حدود ۶۲٪ نشان دادند.

### روش اجرا و طرح تحقیق

مرحله اول: پس از انتخاب نمونه تحقیق، ابتدا مادران دانش آموزان با هماهنگی واحدهای آموزشی به مدارس دعوت شدند. پس از حضور مادران مطابق با زمان خواسته شده و ارائه راهنماییهای لازم پیرامون نحوه ی پاسخگویی به پرسشنامه ی شیوه های فرزند پروری ویترباتوم، مادران در گروه های ۲۰ تا ۲۵ نفری در محیط آرام و مناسب به سوالات مربوطه پاسخ دادند.

مرحله دوم: در ادامه از آموزگاران هر پایه تقاضا شد که رفتار دانش آموزان مورد نظر را به مدت ۷ الی ۱۴ روز زیر نظر داشته باشند تا پرسشنامه رفتار سازشی شهنی بیلاق را با حوصله در مورد آزمودنی ها کامل کنند.

مرحله سوم: پس از مشخص کردن پرسشنامه مادران و معلمان هر دو پرسشنامه ی

- 
- 1- Winter botton
  - 2- Lambert

مذکور با توجه به مشخصات قید شده در پرسشنامه با یک عدد واحد کد گذاری شد و اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه ها دقیقا وارد رایانه و سایر محاسبات به کمک رایانه صورت پذیرفت. در این پژوهش طرح تحقیق از نوع همبستگی است. در چنین تحقیقاتی پژوهشگر به دنبال بررسی رابطه ی احتمالی میان متغیرهای مورد مطالعه است و هدف کشف رابطه ی علی نیست. بلکه هدف تعیین رابطه، جهت ارتباط و معناداری آن می باشد. این پژوهش به دنبال مشخص کردن و توصیف رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین در سطوح استقلال، تسلط و مراقبت آموزی با یازده میزان رفتار سازشی دانش آموزان است.

#### ▀ یافته ها

به منظور توصیف داده ها از لحاظ گرایش مرکزی و پراکندگی (از قبیل میانگین و انحراف معیار) از روش آمار توصیفی استفاده شد. جهت آزمون فرضیه های پژوهش، از آزمونهای پارامتریک که عبارتند از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیری استفاده گردید. برای آزمون هر یک از فرضیه های تحقیق در جدول شماره ۱ ضرایب همبستگی بین سن استقلال آموزی با رفتار سازشی، معنادار نشد و از بین یازده خرده مقیاس رفتار سازشی، فقط میزان خشونت، رفتار عصیانی و رفتار نامناسب صوتی با سن استقلال آموزی رابطه ی معنادار داشتند. ضریب همبستگی بین سن تسلط آموزی با رفتار سازشی معنادار شد و از میان یازده سطح رفتار سازشی، میزان خشونت، رفتار ضد اجتماعی، عصیانی، نامناسب صوتی و عادات نامناسب با سن تسلط آموزی رابطه ی معنادار دارند. همچنین ضریب همبستگی بین سن مراقبت آموزی با رفتار سازشی معنادار نبود و از بین یازده خرده مقیاس رفتار سازشی، هیچ کدام با سن مراقبت آموزی رابطه معنادار نداشت. در نهایت ضریب همبستگی بین



(۱) متغیر پیش بین، تسلط آموزی است.

(۲) متغیر ملاک، رفتار سازشی است.

به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای پیش بین (استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی) در تبیین متغیر ملاک (رفتار سازشی) جدول شماره ۲ ضرایب رگرسیون تشکیل شد که مقدار آماره آزمون F آن برابر ۶/۱۲۰ بود که در سطح معناداری  $P < ۰.۰۵$  معنادار شد.

جهت پیش بینی متغیر ملاک توسط متغیرهای پیش بین کننده از دو روش ورود<sup>۱</sup> و مرحله ای<sup>۲</sup> رگرسیون چند متغیری استفاده شد در روش ورود هیچکدام از متغیرهای پیش بین کننده (استقلال، تسلط و مراقبت آموزی) متغیر ملاک را پیش بینی نکردند. لذا روش دوم (مرحله ای) در تحلیل رگرسیون چند متغیری به کار رفت. که نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۲ مشاهده می گردد. از نتایج مندرج در جدول ۲ معلوم می شود که با استفاده از تحلیل رگرسیون ضریب همبستگی چندگانه با روش مرحله ای، متغیر تسلط آموزی پیش بین کننده ی قوی تری برای رفتار سازشی ظاهر شد. وزنهای بتا عنوان می کند که با یک انحراف معیار در متغیر پیش بین مقدار ۰/۱۳۸ ( $R=0/138 p<0/05$ ) در متغیر ملاک که همان رفتار سازشی است. تغییر رخ می دهد. بر این اساس روش تسلط آموزی مهمترین نقش را دارد، زیرا تغییری به اندازه یک انحراف معیار در متغیر تسلط آموزی موجب ۰/۱۳۸ تغییر در رفتار سازشی می شود، در حالیکه روش استقلال آموزی و مراقبت آموزی با استفاده از روش مرحله ای با رفتار سازشی دانش آموزان دختر پایه های سوم و چهارم ابتدایی شهرستان دشت آزادگان، همبستگی چند گانه نداشتند (عبادی، ۱۳۸۳).

1- Enter  
2- Stepwise

## بحث و نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل یافته های فرض اول نشان داد که رابطه ی منفی معناداری بین سن استقلال آموزی و رفتار سازشی دانش آموزان وجود ندارد. همانطور که مک کویی و مارتین (۱۹۸۳) به نقل از لمبورن و همکاران، (۱۹۹۱) در تحقیقی اظهار داشته اند بایستی بین دو تیپ از خانواده ها تفاوت قائل شد والدینی که شیوه افراطی استقلال آموزی دارند و والدینی که مسامحه کار و سهل گیر هستند. لذا جهت هر گونه اظهار نظر دقیق تر و روشن تر، بایستی این دو شیوه به طور جداگانه سنجش و بررسی شود. والدین دارای شیوه فرزند پروری استقلال آموزی افراطی، درجه پایینی از کنترل را در مقابل با فرزندانشان به کار میگیرند. کنترل کم والدین سبب می شود فرزندان احساس نمایند که می توانند به هر طریق عمل کنند و چارچوبهای انضباطی و محدودیتهایی برای اعمال نمی شود. نسبت به رفتار سازگاره خود بی تفاوت شوند. همچنین کنترل معقول و معتدل سبب شکل گیری سازه های شخصیتی چون عزت نفس بالا و احساس کفایت در کودکان می شود که می تواند به طور غیر مستقیم بر سازگاری تاثیرات مثبتی داشته باشد. این نتیجه همچنین با پژوهش های کریمی (۱۳۸۰) و بحرینی (۱۳۷۷) مرتبط و همخوان است. کریمی در تحقیقی نتیجه گرفت که بین نگرش شیوه های فرزند پروری (اقتدار منطقی، آزاد گذاری و استبداد) مادر و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) رابطه ای مشاهده نشد. در پژوهشی دیگر بحرینی مشخص نمود که بین شیوه های فرزند پروری با افسردگی و عملکرد تحصیلی رابطه ای وجود ندارد. فرض اول تحقیق علی رغم اینکه از بین خرده مقیاس رفتار سازشی، میزان خشونت، رفتار عصیانی و رفتار نامناسب صوتی با سن استقلال آموزی رابطه ای معنادار داشتند رد شد. این امر نیز تا حدودی قابل توجیه است زیرا شیوه های فرزندپروری می تواند مقیاس های مذکور را که بیشتر اکتسابی هستند تا فطری یا سرشتی، تحت تاثیر خود

قرار دهد. لذا در مجموع استقلال آموزی با نمره کل رفتار سازشی (دیگر خرده مقیاس رفتار سازشی) رابطه ی معنا دار نداشت.

از دلایل دیگر احتمالا این باشد با توجه به اینکه نمونه پژوهش این تحقیق دختران هستند، به نظر می رسد مادران پژوهش حاضر، استقلال و کسب آن را مهارت پسرانه تلقی می کنند، لذا در جهت آموزش و اکتساب آن به دختران اقدام جدی و عملی بر نمی دارند که این عامل می تواند ریشه در نگرش آنها نسبت به استقلال آموزی دختران داشته باشد. تبیین دیگر از دیدگاه روانشناسان این است که والدین افراطی به علت گرم و پذیرنده بودن سطوح بالای پاسخگو بودن و سطح پایین «درخواست کنندگی» برخوردارند. لذا به طور طبیعی بیشتر از سایر والدین پیگیر طرز رفتار و برخورد فرزندانشان می شوند به گونه ای بیش از حد در نوع رفتار و کردار آنان دخالت می کنند. این دخالت مستقیم و بیش از حد در رفتار ممکن است آنها را متکی و وابسته به والدین نماید و در نتیجه، استقلال عمل را از فرزندانشان سلب می کند. این امر می تواند سبب پایین آمدن رفتار سازشی دانش آموز گردد. فرض دوم این تحقیق مشخص نمود که رابطه معناداری بین سن تسلط آموزی و رفتار سازشی وجود دارد. همانطور که نتایج تحقیقات (بامریند، ۱۹۷۳، باردلی ۱۹۸۹ به نقل از کانگر و همکاران به نقل از برنت، ۱۹۹۷) این نتیجه با یافته های برونشتاین (۱۹۹۴) مبنی بر اینکه نحوه ی تعامل والدین کودک بر رفتار سازشی کودکان تاثیر دارد، همسو می باشد این یافته ها همچنین با نتیجه پژوهش رستگارانی (۱۳۷۴) همخوان است.

از دلایل تایید این فرضیه می توان گفت همانطور که قبلا مک کوبی و مارتین (۱۹۸۳) به نقل از لمبورن و همکاران ۱۹۹۱ اظهار داشته اند کنترل معقول و معتدل سبب شکل گیری سازه های شخصیتی چون عزت نفس بالا و احساس کفایت در کودکان می شود که می تواند بر سازگاری تاثیر داشته باشد. بنابراین خانواده های

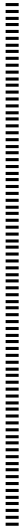
دارای شیوه تربیتی مبتنی بر تسلط آموزی، والدینشان سعی می کنند انتظارات مثبت و سازنده را به فرزندان خود آموزش دهند و آنان را در شناسایی واقعیت‌های موجود و ارزیابی شرایط و تصورات منطقی از جهان آزاد گذاشته و با آنها همکاری می نمایند و صمیمیت را در کنار کنترل منطقی اعمال می کنند این چنین فرزندان به خوبی با محیط سازش یافته و به تعادل روانی می رسند در فرض دوم این تحقیق ضرایب همبستگی همچنین نشان داد که از میان خرده مقیاس رفتار سازشی، میزان خشونت، رفتار ضد اجتماعی عصیانی، نامناسب صوتی و عادات نامناسب با سن تسلط آموزی رابطه ی معنادار داشتند. به همین دلیل احتمالاً فرض دوم تایید شد و دلیل اینکه دیگر خرده مقیاس رفتار سازشی، با تسلط آموزی رابطه ی معنادار نداشت شاید این باشد که بقیه خرده مقیاسها زیربنای شخصیتی یا سرشتی در میان فرزندان خانواده..... زیربنای شخصیتی یا سرشتی در میان فرزندان خانواده داشته باشد و زیاد تحت تاثیر شیوه های فرزند پروری نباشد. در فرض سوم این مطالعه رابطه ی منفی معناداری بین سن مراقبت آموزی با رفتار سازشی مشاهده نشد. و از بین خرده مقیاس رفتار سازشی هیچکدام از یازده میزان آن با سن مراقبت آموزی رابطه معنادار نداشت. تبیینی که در این خصوص می توان ارائه داد این است که در این مطالعه باید دقت کرد که تنها شیوه های فرزند پروری از قبیل نگرش ها که می تواند بخشی از رفتار باشند را در نظر گرفته شود. چنانچه تحقیق گانتر (۱۹۸۹) نشان می دهد که هر یک از جنبه های مختلف فرزند پروری موجب ایجاد و پرورش متفاوتی از جنبه های یازده گانه رفتار سازشی می گردد. بنابراین هر یک از سه سطح شیوه های فرزند پروری من جمله مراقبت آموزی در این تحقیق به طور جداگانه بر نمره کل رفتار سازشی اثر می گذارد. از طرف دیگر سن متغیر دیگری است که باید مورد ملاحظه قرار گیرد. لذا ممکن است اثر شیوه های فرزند پروری والدین در سنین اولیه بر مجموع یازده سطح رفتار

سازشی منعکس شود. در ارتباط با سن آزمودنی ها در تحقیق فعلی، چنین اثری هنوز خود را نشان نداده است. این یافته با مطالعات مهر افروز (۱۳۸۱) و ابراهیمی (۱۳۷۲)، نقل از هوشنگی (۱۳۸۲) مرتبط و همسو است. مطالعات مهر افروز نشان داد که بین نگرش شیوه های فرزند پروری و پیشرفت تحصیلی (معدل کل، نمره علوم و ریاضی) رابطه معنادار وجود ندارد. ابراهیمی همچنین در تحقیقی نشان داد که اشتغال مادر در سازگاری دختران تاثیر مثبت نداشته است.

نتیجه پایانی این مطالعه این بود که بین سه خرده مقیاس شیوه های فرزند پروری با رفتار سازشی، رابطه معنادار وجود دارد. همانطور که تحقیقات گلاسکو، درونباخ، ترایر، استینبرگ و رویتر (۱۹۹۷) لمبورن، مونتس، استینبرگ و درونباخ (۱۹۹۱) مشخص نمودند، نوجوانانی که والدین خود را به عنوان استبدادی یا افراطی توصیف کرده بودند، در تمام مقیاسها نمره هایشان گرایش به حد متوسط بین نمره های گروهها اقتدار منطقی و مسامحه کار داشت به طور کلی بیشترین اندازه متفاوت بین خانواده های اقتدار منطقی و مسامحه کار از نظر پیشرفت تحصیلی و سایر موارد بدست آمد. این نتیجه همچنین با مطالعه همچن (۱۹۹۶) همخوان است او در مطالعات خود به این نتیجه رسید که کودکان بیش فعال دارای پدران سخت گیر و محدود کننده و دارای مادرانی بودند که نسبت به سایر مادران از تنبیه بدنی بیشتری استفاده می کردند. در نهایت از میان سه خرده مقیاس شیوه های فرزند پروری، سن تسلط آموزی، پیش بین کننده ی قوی تری برای رفتار سازشی ظاهر شد. در مجموع به نظر می رسد دلایل ارائه شده از مهمترین دلایل در تایید یا عدم تایید فرضیه های مطرح شده باشند. مسلما تربیت کودکان دست پرورده والدین خود هستند، اگر شیوه های تربیتی والدین اصلاح شود، مشکلات رفتاری کودکان نیز اصلاح خواهد شد. والدین ممکن است استقلال آموز، تسلط آموز یا مراقبت آموز باشند و این ناپایداری معلول عوامل مختلفی از قبیل



وضعیت اقتصادی خانواده، تولد کودک جدید، آشفته‌گی‌ها و نابسامانی‌های خانوادگی، تحصیلات والدین و جنسیت کودک می‌باشد لذا والدین باید در شیوه‌های تربیتی افراط و تفریط را کنار گذاشته و در کنار آزادی منطقی برای رشد فرزندان خود و همکاری با آنها کنترل صحیحی بر رفتار آنها داشته باشند تا رفتار سازگارانه آنها تکامل و موجبات شکوفایی آن را فراهم سازد.



Archive of SID

### منابع

- ۱- باقری، م. (۱۳۷۲). بررسی رابطه ی شیوه های فرزندپروری با انگیزه پیشرفت و رابطه متغیر اخیر با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر دوره راهنمایی اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۲- بحرینی، ش. (۱۳۷۷). بررسی رابطه ی شیوه های فرزندپروری با سلامت روانی، افسردگی و هماهنگی مولفه های خود پنداشت و رابطه ی متغیرهای اخیر با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- ۳- شعاری نژاد، ع. ا. (۱۳۸۲). روانشناسی رشد. تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوازدهم.
- ۴- شهنی بیلاق، منیجه (بی تا). میزان سازی مقیاس رفتار سازشی برای دانش آموزان مدارس ابتدایی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، شماره های اول و دوم.
- ۵- کریمی، م. (بی تا). بررسی رابطه نگرش نسبت به شیوه فرزندپروری و مکان کنترل با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ی سوم، سال نهم، شماره های اول و دوم.
- ۶- نلسون، آر. (۱۳۸۱). اختلالات رفتاری کودکان. ترجمه محمدتقی منشی طوسی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۷- نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۰). سه گفتار درباره ی اهمیت و تربیت فرزندان. انتشارات کلینی.
- ۸- جیمز. دبلیو، وندرزندن، (۱۳۸۲). روانشناسی رشد. ترجمه ی حمزه گنجی،

انتشارات بعثت.

۹-هوشنگی ب. (۱۳۸۲). مقایسه سازگاری فردی- اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر سال سوم جدید متوسطه شهر اهواز براساس اولویت‌های پنجگانه طبق برنامه هدایت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

10-Berent, T. S. (1997). Child development. Second. London, Brown and benchmark publisher.

11-Bronste in, P. (1994). Patterns of parent – child interaction in Mexican families: Across cultural perspective. Journal of international Behavioral Deerepiment, V. 1. 7, NOS. PP23–40.

12-Glasgow, K. L. , Dornbusch, S. M. , Troyer, L. , Steinberg, L. , & Ritter, P. L. (1997). Parental styles, adolescent,sattrivutions , and child development , 68(3), 507-529.

13-Gunter , K. (1989) Perceived child rearing Practices and the development of locus of control in early adolescence, International journal of behavioral Drelompint, 12(2), 177 – 93.

14-Hechtman , I. (1996). Familis of children with attention deficit, hyperactivity disorder, journal of child studies. V. 15,PP 153 – 163.

15-Lamborn, S. D. , Mounts, N. S. ,Ssteinberg, L. , Dornbusch, S. M. (1991). Parents of competence and adjustment among adolescents from authoritarian, indulgent, and neglectful families. child Development, 62,1049-1065.

